مطالعهٔ عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان

مریم رفعت‌جاه،* فائزه روح‌افزا**

چکیده

شناخت نگرش موجود به هویت زن مسلمان در شرایط کنونی جامعهٔ ایران که از یک سو با گرایش‌های سکولاریستی مواجه است و از سوی دیگر در معرض افکار رادیکال فمینیستی قرار دارد، می‌تواند گامی اولیه در جهت بازشناسی و احیای هویت دینی زن مسلمان باشد. از این رو در پژوهش حاضر که در شهر تهران به انجام رسیده، ابتدا به شناسایی ویژگی‌های زن مسلمان از منظر متون دینی و صاحب‌نظران این عرصه و سپس به توصیف نگرش شهروندان تهرانی به هویت دینی زن مسلمان پرداخته شده و در نهایت عوامل مؤثر بر این نگرش شناسایی و تبیین شده است. بر اساس یافته‌ها بیشترین نگرش مثبت در وهلهٔ نخست به بعد انسانی هویت زن و سپس به بعد خانوادگی و بعد اجتماعی ـ اقتصادی مربوط بوده و کمترین اجماع و توافق دربارهٔ بعد سیاسی هویت زن مسلمان ابراز شده است.

همچنین بر اساس تحلیل‌های دوبعدی هویت شخصی، میزان دین‌داری، نوع ارزش‌ها و نگرش‌ها، جنسیت، وضعیت تأهل و اشتغال با متغیر وابسته رابطهٔ مستقیم و معنادار داشته‌اند. از این رو هرچه تعریف افراد از خودشان مثبت‌تر، میزان دین‌داری آن‌ها بالاتر، ارزش‌ها و نگرش‌هایشان سنت‌گرایانه‌تر و تحصیلاتشان بیشتر بوده، نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان اظهار کرده‌اند. بر اساس نتایج رگرسیونی از میان عوامل مورد مطالعه ابتدا «میزان پایبندی دینی»، سپس «جنسیت»، «وضعیت تأهل»، «میزان تحصیلات» و «هویت شخصی» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته نشان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: هویت دینی، دین‌داری، جنسیت، هویت شخصی، تحصیلات.

---

* استادیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران rafatjah@ut.ac.ir

** کارشناس‌ارشد مطالعات زنان

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۲

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۱-۹۲

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

مقدمه

شناخت نوع نگرش به هویت دینی زن مسلمان و عوامل مؤثر بر آن از نیازهای ضروری جامعهٔ کنونی ما است. زیرا در اثر دو جریان عمده‌ای که در سی‌سال اخیر روی داده، یعنی حکومت دینی و گسترش مدرنیتهٔ غربی، جامعهٔ ما از یک سو با گرایش‌های سکولاریستی مواجه شده و از سوی دیگر در معرض هجوم افکار رادیکال فمینیستی قرار دارد. از این رو در این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد یکی از عمده‌ترین مسائل جامعه مسئلهٔ هویت دینی زن مسلمان باشد.

شناخت نحوهٔ نگرش مردم به هویت دینی زن مسلمان و عوامل مؤثر بر این نگرش اولین قدم در راه مقابله با چالش‌های هویتی زن ایرانی و بازاندیشی در جهت رفع آن است. در این مطالعه سعی شده از طریق پژوهش علمی در جهت شناخت تصویر کنونی از زن مسلمان و احیای هویت دینی زن ایرانی گام مؤثری برداشته شود.

روشن است که نگرش مثبت یا منفی به این مقوله تا چه حد می‌تواند بر نحوهٔ برخورد و رویکرد به زنان مسلمان دین‌دار و نیز بر افکار و رفتار زنان تأثیرگذار باشد. از این رو است که آگاهی از نگرش افراد جامعه به این موضوع و تلاش در جهت خلق نگرش جدید و مثبت به هویت دینی زن مسلمان ضروری به نظر می‌رسد. با شناخت این نگرش‌ها هم می‌توان تاحدودی وضعیت و رفتار زنان را در جامعه پیش‌بینی کرد و هم در صورتی که این نگرش‌ها نادرست و منفی و نیازمند تصحیح و اصلاح باشد می‌توان در جهت اصلاح آن اقدام کرد.

از طرف دیگر با توجه به اینکه دین در جامعهٔ ما از جایگاه مهمی برخوردار است اهمیت مطالعات مربوط به هویت دینی نیز دوچندان می‌شود و هرگونه ضعفی در این زمینه سبب می‌شود جامعه از ارزش‌های دینی و اعتقادات خود دور و بی‌تفاوت و سست گردد. یکی از پیامدهای این وضعیت، بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف خواهد بود. لذا به دلیل آنکه دین با ارائهٔ الگو به‌طور خاص نقشی کنترل‌کننده در بروز آسیب‌های اجتماعی و به‌طور عام نقش بارزی در سعادت بشر دارد، تقویت هویت دینی در میان مردم حائز اهمیت است.

از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد این موضوع را به‌عنوان مسئلهٔ اجتماعی مهمی مورد مطالعه قرار دهد. برای دستیابی به این منظور اهداف زیر مورد توجه قرار گرفته است.

- شناسایی ویژگی‌های زن مسلمان از خلال متون دینی و صاحب‌نظران این عرصه

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

- توصیف نگرش مردان و زنان شهر تهران به هویت دینی زن مسلمان
- تبیین عوامل مؤثر بر نگرش مردم به هویت دینی زن مسلمان

مبانی نظری

مفهوم نگرش

مفهوم نگرش به معنای نگاه ما به اشیا، افراد یا عقاید مختلف است. دربارهٔ تأثیر نگرش‌ها بر رفتار بحث‌های گوناگونی در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی مطرح بوده است. نگرش‌ها جنبهٔ مهمی از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می‌دهند. ما به اشیا، افراد و اندیشه‌ها نظر خاصی داریم که ناشی از اطلاعات و احساسات ما به آن‌ها است. این‌گونه نظرات غالباً تعیین‌کنندهٔ شیوهٔ برخورد ما با آن اشیا، افراد یا اندیشه‌هاست. خاستگاه رفتار احترام‌آمیز، تبعیض‌آمیز یا توهین‌آمیز به دیگران نگرش‌هایی است که شخص دربارهٔ آن‌ها دارد و این نگرش‌ها در طول زمان مشخصی شکل گرفته‌اند (کریمی، ۱۳۷٦: ۲۹۳).

مفهوم نگرش ابتدا در روان‌شناسی اجتماعی به معنای میل و انگیزهٔ درونی بر انجام دادن یا ندادن رفتاری خاص مطرح شده و برای تبیین و پیشگویی رفتار به‌کار رفته است (هیوستون[1] و دیگران، ۱۹۹٦: ٤٧).

برخی از صاحب‌نظران روان‌شناسی اجتماعی، در دهه‌های اول قرن بیستم چنان اهمیتی برای نگرش قائل بودند که آن را عامل عمدهٔ مؤثر بر افکار و رفتار انسان و مطالعهٔ آن را مهم‌ترین موضوع علم روان‌شناسی اجتماعی در نظر می‌گرفتند. به‌طوری‌که افرادی چون توماس و زنانیکی روان‌شناسی اجتماعی را «علم مطالعهٔ نگرش» تعریف کردند (ویزر، ۱۹۹۸: ٤).

همچنین گوردون آلپورت می‌نویسد: «نگرش‌های هر فردی تعیین می‌کند که وی چه چیزی را ببیند، چه چیزی را بشنود و چه فکری بکند و چه کاری انجام دهد» (همان: ٤).

[1] Hewston

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

آلپورت نگرش را نوعی آمادگی فکری و احساسی می‌داند که به‌وسیلهٔ تجربه ساماندهی می‌شود و بر پاسخ‌ها و واکنش‌های فرد به کلیهٔ پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با آن‌ها سروکار دارد تأثیری تعیین‌کننده بر جای می‌گذارد (هیز،[1] ۱۹۹٤: ٦۰۳).

در این تعریف، آلپورت «آمادگی فکری و احساسی» را به‌عنوان عناصر و ابعاد اصلی نگرش مورد توجه قرار داده و به عقیدهٔ وی همین آمادگی فکری و احساسی افراد است که به پاسخ، عکس‌العمل و رفتار افراد در برابر پدیده‌ها و وضعیت‌های مختلف جهت می‌دهد. بنابراین آلپورت در تعریف مفهوم نگرش دو بعد شناختی و احساسی آن را مطرح می‌سازد.

برخی تعاریف دیگر نیز به نوعی متکی بر ارزیابی هستند و نگرش را مجموعه‌ای از عناصر یا ابعاد احساسی، شناختی و رفتاری در نظر می‌گیرند. در این باب ایگلی و چایکن معتقدند «نگرش تمایلی روان‌شناختی است که از طریق ارزیابی میزان مطلوبیت یا عدم مطلوبیت یک پدیدهٔ خاص اظهار می‌شود». این ارزیابی به تمام ابعاد پاسخ (عکس‌العمل) ارزیابی‌کننده، یعنی ابعاد شناختی، احساسی یا رفتاری دلالت می‌کند (هیوستون و دیگران، ۱۹۹٦: ۲۰۷).

مایرز نیز در تعریفی مشابه تعریف فوق اشاره می‌کند که نگرش، واکنشی ارزیابی‌کننده با جهت‌گیری مثبت یا منفی به چیز یا فردی است و در اعتقادات، احساسات یا قصد و نیت رفتاری افراد منعکس می‌شود (مایرز، ۱۹۹۳: ۱۱۲).

بدین ترتیب طبق دو تعریف ذکرشده واکنش‌های ارزیابی‌کنندهٔ افراد ترکیبی از سه بعد احساسی،[2] شناختی[3] و رفتاری[4] است.

به نظر این دسته از متفکران در سنجش و اندازه‌گیری نگرش افراد باید هر سه بعد فوق لحاظ شود تا براساس آن‌ها بتوان رفتار افراد را در باب آن پدیده به‌طور دقیق‌تر و مطمئن‌تر تبیین و پیش‌بینی کرد. این دانشمندان معتقدند:

عکس‌العمل‌های احساسی افراد بیانگر احساساتی مانند عشق یا نفرت به فرد یا پدیده و موضوعی یا دوست داشتن یا نداشتن چیزی است.

عکس‌العمل‌های شناختی به اعتقادات، نظرات و ایده‌های افراد به پدیدهٔ مورد نگرش مربوط می‌شوند.

[1] Hayes
[2] Affective
[3] Cognitive
[4] Behavioral

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

عکس‌العمل‌های مبتنی بر قصد و نیت یا رفتار افراد در واقع نشان‌دهندهٔ تصمیم افراد برای انجام یا عدم انجام رفتاری خاص بوده و تمایلات رفتاری افراد را در مورد پدیده‌ای خاص نشان می‌دهند (هیوستون و دیگران، ۱۹۹۶: ۲۹۷).

در جمع‌بندی کلی از بحث مفهوم نگرش می‌توان نتیجه گرفت که آدمی در طول زندگی با چیزهای گوناگونی سروکار دارد که در او نسبت به آن‌ها شناخت‌های معین و احساسات بخصوصی پدید می‌آید و نوعی آمادگی در او پیدا می‌شود که با آن‌ها به شیوهٔ معینی رفتار کند. ترکیب این شناخت‌ها، احساسات و آمادگی برای عمل در مقابل چیزی معین را نگرش شخص به آن چیز می‌خوانیم (کرچ و دیگران، ۱۳۴۷: ۹۷).

مروری بر نظریه‌های مرتبط با نگرش

روزن اشتیل و هروشکا در نظریات خود بر نقش تجربه و رضامندی در شکل‌گیری نگرش‌ها یا تغییر آن تأکید دارند. به نظر هروشکا یکی از عوامل مهم مؤثر در تکوین نگرش تجربه است. به نظر وی دسترسی به اهداف و ارضای نیازها همواره با احساس رضایت، احساس خوشبختی و تجربیات مطبوع و برعکس عدم ارضای نیازها با نارضایتی و احساسات منفی همراه است. این خاطرات همراه با احساسات ارزشی منضم به آن‌ها در حافظه باقی می‌ماند و چیزی را می‌سازند که «تجربه» می‌نامیم (رفیع‌پور، ۱۳۷۲).

کرچ، کراچفیلد و بالاچی مهم‌ترین عوامل مؤثر در تکوین نگرش را در چهار مقوله دسته‌بندی کرده‌اند:

آنچه نیازهای شخص را برآورده می‌کند: فرد معمولاً به اشیاء، عوامل، وسایل و اشخاصی که نیازهای او را برمی‌آورند و وی را به هدف‌هایش می‌رسانند نگرش‌های موافق و مثبت و به موانعی که سد راه رسیدن او به هدف‌هایش می‌شوند نگرش‌های منفی پیدا می‌کند.

کسب اطلاعات دربارهٔ موضوع، شیء یا فردی خاص: اطلاعاتی که شخص کسب می‌کند نیز در ایجاد و شکل‌گیری نگرش‌های او تأثیر دارند.

تعلق گروهی: نیاز تعلق به گروه یکی از نیازهای مهم انسان است و همبستگی با گروه در ایجاد نگرش‌های او تأثیر مهمی دارد. می‌توان گفت که نگرش‌های شخص نمایندهٔ باورها و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

دیدگاه‌های گروه یا گروه‌هایی است که شخص عضو آن‌هاست. علاوه بر این، فرد برای حفظ نگرش‌های خود به حمایت دیگران نیازمند است. تعلق شخص به گروه‌های نخستین همچون خانواده سبب می‌شود او به‌عنوان عضوی از خانواده نگرشی مشابه خانواده را در خود شکل دهد. گاهی نیز فرد پیشاپیش نگرش‌هایی مشابه با نگرش‌های گروهی را که امیدوار است در آن‌ها عضویت داشته باشد پیدا می‌کند.

شخصیت فرد: نگرش‌های هر فرد منعکس‌کنندهٔ شخصیت اوست. هرچند گروه در شکل‌دهی به نگرش‌های اعضای خود تأثیر دارد، در میان افراد هر گروه از نظر نگرش تفاوت‌هایی وجود دارد که ناشی از شخصیت افراد است (کریمی، ۱۳۷٦).

فیش باین و آیزن در مطالعات خود برای تبیین رفتار به نقش نگرش توجه کرده‌اند. به نظر آن‌ها کنش یا رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل روی می‌دهد. حلقهٔ ماقبل بروز رفتار «قصد و نیت» انجام رفتار است. اما قصد و نیت خود تحت تأثیر دو متغیر دیگر است که عبارت‌اند از نگرش به رفتار که متغیری فردی و شخصی است و طی آن رفتار از منظر خود فرد کنشگر ارزیابی می‌شود. متغیر دوم هنجار ذهنی است که منعکس‌کنندهٔ نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص برای انجام کار (رفتار) احساس می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۲).

از این گذشته، بین نگرش به رفتار و هنجار ذهنی یا به عبارت دیگر بین فرد و دیگران (جامعه) تعامل وجود دارد. اما این تأثیر و تأثر بسته به محیط اجتماعی و شخصیت فرد متفاوت است (لهسائی‌زاده، ۱۳۸۰).

هویت

هویت[1] عبارت است از مجموعهٔ ویژگی‌ها و مشخصات فردی، اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها که فرد آن را از طریق توانایی کنش متقابل با خود یا بازیافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب پرسش من کیستم ارائه می‌دهد. در واقع هویت مفهومی است ناظر بر حالات و اعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخص و فردیت شخص یا جامعه را تشکیل می‌دهد (حقدار، ۱۳۸۰).

[1] Identity

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

مفهوم هویت به صور گوناگونی دسته‌بندی شده است. ابتدایی‌ترین دسته‌بندی در مورد هویت، هویت فردی و هویت جمعی است. هویت فردی که به مجموع هویت‌های شخصی، شخصیتی و اجتماعی فرد اطلاق می‌شود از بحث این پژوهش خارج است. اما از آن‌جا که هویت دینی یکی از انواع هویت‌های جمعی است لازم است با این مفهوم بیشتر آشنا شویم.

هویت دینی را برخی در زمرهٔ هویت ملی قرار داده‌اند. هویت ملی طبق تعریف بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشور است و هویت‌یابی در این سطح، موجد نوعی احساس "خود جمعی" است، اما هویت دینی متضمن آن سطح از دین‌داری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی شکل می‌گیرد. در هویت دینی سه ویژگی هویت جمعی، یعنی ارزش‌ها و اهداف مشترک، آگاهی و علاقه و تعهد اخلاقی، وجود دارد و به شکل مشخص‌تری نمود می‌یابد (وودوارد، ۲۰۰۰: ۳).

تعریف دین

ماکس وبر «دین را مجموعه‌ای از پاسخ‌های منسجم به سؤالات غامض در مورد هستی انسان و آنچه جهان را معنادار می‌سازد» دانسته است (رابرتسون، ۱۹۷۲).

اما در نظر آلن بیرو «دین گرایش شدید انسان‌ها به سوی وجود والای خداوند یا نیروهای برین یا احساس سادهٔ وابستگی به آنان، به منظور تبیین علل وجودی خویشتن در جهان و بازیابی معنایی برای هستی است» (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۲۱).

ژان پل ویلم معتقد است: «دین به‌عنوان فعالیت‌های اجتماعی و یک نیروی جذاب عبارت است از نوعی پیوند و ارتباط نمادین و منظم میان افراد که توسط آیین‌ها و اعتقادات ناشی از یک بنیان‌گذار کاریزماتیک برقرار می‌شود و تداوم می‌یابد» (ویلم، ۱۳۷۷: ۱۷۸).

ترنر دین را دارای سه بعد اصلی می‌داند: «باورها»، «ارزش‌ها» و «مناسک و مراسم» (ابرکامبی، ۱۹۹٤: ١٦).

این ابعاد را می‌توان تحت عنوان ابعاد «اعتقادی»، «ارزشی» و «مناسکی» نام‌گذاری کرد و برای سنجش سه بعد دین‌داری به‌کار گرفت.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

در حوزهٔ جامعه‌شناسی دین گلاک و استارک با تأکید بر اینکه پایبندی دینی پدیده‌ای چندبعدی است، برای سنجش دین‌داری از ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی و دانشی استفاده کرده‌اند (ویلم، ۱۳۷۷: ۸۱).

الف) بعد اعتقادی یا باورهای دینی: این بعد نوعی ادراک برخاسته از معرفت دینی است که به معتقدان بینش خاصی درباب حقانیت اصول دینی ارائه می‌دهد. بعد اعتقادی در اسلام عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

ب) بعد پیامدی:[1] این بعد ناظر بر تأثیر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمرهٔ پیروان است. این بعد، برخلاف ابعاد دیگر، که صرفاً ناظر بر اعتقادات یا اعمال‌اند، بر اثرات آن‌ها بر جامعه و افراد دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، پیامدهای اعتقادات و رفتارهای دینی را در زندگی افراد مورد مطالعه قرار می‌دهد.

ج) بعد مناسکی[2] **(اعمال دینی)**: این بعد ناظر بر انجام سلسله اعمال عمدتاً بیرونی برای انجام عملی فردی یا جمعی است. به بیان دیگر، اعمال و مناسک مشخصی که پیروان هر دین آن را به‌جا می‌آورند، مانند نماز و روزه.

د) بعد عاطفی:[3] این بعد ناظر بر احساس و ادراک است و به تجربهٔ برقراری رابطه با شعوری برتر و قدرتی متعالی مربوط می‌شود. امید به خداوند، کمک خواستن از او و توبه و بازگشت به سوی او نمونه‌هایی از این عواطف هستند.

ه) بعد دانشی:[4] این بعد شامل اطلاعات و دانسته‌های مبنایی و ضروری در مورد معتقدات دینی است که از پیروان هر دین انتظار می‌رود از آن‌ها آگاهی داشته باشند.

هویت دینی

در واژهٔ هویت دو معنای اصلی و عمده وجود دارد. اولین معنای آن ناظر بر مفهوم تشابه و همسانی است و معنای دوم آن به مفهوم تفاوت و تمایز است، به این معنی که ما به‌وسیلهٔ تشابهات و تفاوت‌هایی که با هم داریم شناخته می‌شویم (جنکینز، ۱۳۸۱).

---

[1] Consequential
[2] Ritual
[3] Affective
[4] Cognitive

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

با توجه به تعریف بالا هرگاه از هویت فردی صحبت می‌کنیم بیشتر به تفاوت‌ها و تمایزهای افراد به‌لحاظ اسم، ملیت و قومیت و... توجه داریم و هرگاه از هویت اجتماعی سخن می‌گوییم، مرادمان مشابهت‌ها و همسانی‌هایی است که میان یک جمع یا گروه وجود دارد (عاملی، ۱۳۸۳).

با توجه به آنچه گفته شد، هویت دینی را در دو سطح می‌توان مشاهده کرد. اول سطح فردی و شخصی که تقریباً مترادف با دین‌داری فردی است و سطح جمعی که با اجتماع دینی تقارن دارد (دوران، ۱۳۸۲: ۸٤). سطح جمعی هویت دینی به معنای احساس تعلق و تعهد به جامعهٔ دینی است.

الف) هویت دینی زن مسلمان از دیدگاه قرآن

ابعاد هویت دینی زن مسلمان

هویت دینی زن مسلمان را به معنای ویژگی‌ها، منزلت و حقوق و وظایفی که هویت یک زن مسلمان را در ابعاد انسانی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعیین می‌کند از منظر قرآن مورد مطالعه قرار داده‌ایم.در ابعاد یاد شده سعی شده مسائل مهم و عمده‌ای که امروزه در مورد هویت زنان به‌ویژه از دیدگاه اسلام مطرح بوده با استفاده از قرآن شناسایی شود. از این رو:

در مقولهٔ انسانی برابری زن و مرد در آفرینش

در مقولهٔ مربوط به خانواده نقش و جایگاه زن در خانواده به‌عنوان همسر و مادر

در مقولهٔ اجتماعی، اقتصادی، مسایل مربوط به مالکیت، عفاف و حضور زنان در اجتماع

و در مقولهٔ سیاسی زمامداری، جهاد و هجرت زنان را با استفاده از قرآن بررسی و تشریح کرده‌ایم.

بعد انسانی هویت زن مسلمان

۱) یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالاً کثیراً و نساء (نساء/۱): «ای مردم بپرهیزید از پروردگارتان، آنکه شما را از یک تن بیافرید و از آن تن همسر او را و از آن دو مردان و زنان بسیار پدید آورد».

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

۲) خلقکم من نفس واحده ثم جعل منها زوجها...(زمر/٦): شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن جفت او را خلق کرد.

۳) و من آیاته ان خلقکم لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها...(روم/۲۱): «و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید».

٤) هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها...(اعراف/۱۸۹): «اوست که همهٔ شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن جفت او را نیز بیافرید تا به او آرامش یابد».

۵) یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم .. (حجرات/۱۳): «ای مردم همهٔ شما را از زن و مردی آفریدیم و آن‌گاه به شعب و فرق مختلف درآوردیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

مضمون این آیات همانندی زن و مرد و برابری آن‌ها در خلقت است و نشان می‌دهد که ملاک برتری و فضیلت نزد خداوند تقواست نه زن یا مرد بودن.

بعد خانوادگی هویت زن مسلمان

۱) هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها...(اعراف/۱۸۹): «او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید، و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا با او آرامش یابد». این آیه دلالت بر این دارد که زن مسلمان مایه آرامش خانواده است.

۲) ... و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف...(بقره/۲۲۸): «... و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان...».

۳) الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله... (نساء/۳٤): «مردان سرپرستی زنان را به عهده دارند به خاطر برتری‌های (مالی) که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند و زنان صالح متواضع‌اند و آنچه را خدا به آنان داده حفظ می‌کنند». این آیات بر حقوق متقابل زن و مرد در خانواده، وظیفهٔ مرد در سرپرستی خانواده و وظیفهٔ زن در حفظ حقوق و منافع همسر و خانواده دلالت دارد.

٤) و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرها و وضعته کرهاً و حمله و فصاله ثلاثون شهراً حتی اذا بلغ اشده...(احقاف/۱۵): «ما به انسان سفارش پدر و مادرش را کردیم که به ایشان احسان کند، احسانی مخصوص به آنان، مادرش او را به سختی حمل کرده به دنیا آورد و شیر

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

داد و تا سی ماه تا هنگامی که به حد بلوغ و رشد عقلی رسید از خود جدا نساخت»... . این آیات بر اهمیت جایگاه زن به‌عنوان مادر و ضرورت تکریم او دلالت دارد.

بعد اجتماعی، اقتصادی هویت زن مسلمان

۱)... للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن ...(نساء/۳۲): «هر کسی از زن و مرد را از کار و کسبی که دارند نصیبی است...». بر اساس این آیه زنان می‌توانند در ثمرهٔ کار و تلاش خود تصرف کنند و به مالکیت آن‌ها احترام گذاشته می‌شود.

۲) و المومنون و المومنات ... و یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه ...(توبه/۷۱): «ای مردان و زنان با ایمان ... نماز را به پا دارید و زکات دهید». زنان زکات‌دهنده توصیف شده‌اند پس استقلال مالی دارند که باید زکات دهند.

۳) قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم... و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن...(نور/۳۱-۳۰): «به زنان و مردان مؤمن بگو دیدگان خویش را از نگاه به نامحرم بازگیرند...».

٤) قل للمومنات.....لایبدین زینتهن الا.....(نور/۳۱): «به زنان بگو زینت خود را جز بر محارم خود آشکار نسازند». این آیات بر برابری زن و مرد در رعایت عفت به طور عام و رعایت عفت در نگاه به‌طور خاص و بر ضرورت رعایت پوشش اسلامی زنان در زمانی که در اجتماع حضور دارند دلالت می‌کند.

۵) و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...(توبه/۷۱): «مردان و زنان مؤمن بعضی از ایشان اولیای بعضی دیگرند، امر به معروف می‌کنند و از منکر نهی می‌نمایند». این آیه نیز بر نقش و رسالت زنان در نظارت بر امور اجتماع (امر به معروف و نهی از منکر) دلالت دارد.

بعد سیاسی هویت زن مسلمان

۱) انی وجدت امراه تملکهم و اوتیت من کل شیء و لها عرش عظیم (نمل/۲۳): «زنی دیدم که به آنان (مردم سبا) سلطنت می‌کند و همه چیز دارد و او را تختی بزرگ است». در این سوره خداوند از ملکهٔ سبا به نیکی یاد کرده است.

۲) لایستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلاً وعد الله الحسنی و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً (نساء/۹۵): «مؤمنانی که بی‌هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می‌تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند برابر نیستند. خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می‌کنند بر آنان که از جنگ سر می‌تابند به درجاتی برتری داده است و خدا همه را وعده‌های نیکو داده است و جهادکنندگان را بر آن‌ها که از جهاد سر برمی‌تابند به اجری بزرگ برتری نهاده است». این آیه نشان می‌دهد که ارزش جهاد به جنسی خاص محدود نشده است.

۳) فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم و لادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار...(آل عمران/۱۹۵): «پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که من کار هیچ‌کسی از شما را چه زن و چه مرد ناچیز نمی‌سازم ـ همه از یکدیگرید ـ پس گناهان کسانی را که مهاجرت کرده‌اند و از خانه‌هایشان رانده شده‌اند و در راه من آزار دیده‌اند و جنگیده‌اند و کشته شده‌اند می‌زدایم و آنان را در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است داخل می‌کنم»... . این آیات نشان می‌دهد که هجرت به‌عنوان حرکتی اجتماعی و سیاسی در قرآن برای زنان مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی و مدل نظری تحقیق

چارچوب مفهومی این تحقیق عمدتاً با استفاده از رویکرد تعامل‌گرایی تدوین شده است. در این رویکرد شخصیت فرد (هویت شخصی او)، ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای دینی او در جریان اجتماعی‌شدن و به‌ویژه تجربیاتی که در جریان زندگی داشته شکل می‌گیرد. اما جایگاه اجتماعی و موقعیت ساختاری او از جمله تحصیلات و نوع فعالیت و اشتغال نیز تأثیری مداوم و تعیین‌کننده بر نگرش‌هایش برجا می‌گذارند. جنسیت نیز یکی از عواملی است که هم در نحوهٔ اجتماعی‌شدن و تجربیات زندگی و هم در جایگاه ساختاری فرد در جامعه نقشی بس مهم ایفا می‌کند. از طرف دیگر در جامعهٔ کنونی که استفاده از رسانه‌های گروهی بسیار گسترده است و بعد از خانواده و مدرسه از کانال‌های مهم جامعه‌پذیری محسوب می‌شود تأثیر رسانه را در شکل‌گیری نگرش‌های فرد نمی‌توان نادیده گرفت. با توجه به این ملاحظات در این پژوهش ضمن توصیف مبسوط نگرش افراد مورد مطالعه به هویت دینی زن مسلمان و جنبه‌ها و ابعاد

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

گوناگون آن و تبیین عوامل مؤثر در این نگرش پرداخته‌ایم. مطابق این رویکرد «خود» یک هویت اجتماعی اولیه است و هویت شخصی[1] یا تعریفی که فرد از خودش می‌کند الگویی برای فهم همهٔ ارزش‌ها و نگرش‌های اوست (گیدنز، ۱۳۷۸: ٦۳). این متغیر که توسط برخی از جامعه‌شناسان تعامل‌گرا به اعتماد بنیادی[2] تعبیر شده به پنداشت کلی فرد دربارهٔ «خود»ش اطلاق می‌شود و نقشی بس مهم و محوری در نگرش‌های کلی فرد و هویتی دارد که برای زن مسلمان ترسیم می‌کند. از این گذشته، جنسیت از عوامل بنیادی در نحوهٔ شکل‌گیری خود محسوب می‌شود، زیرا به تجربهٔ فرد سامان می‌دهد و بر فرصت‌ها و تجربیات زندگی تأثیر می‌گذارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۳). از این رو از عواملی است که در ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌ویژه نگرش‌های اجتماعی فرد نقش مهمی ایفا می‌کند. از طرف دیگر، ارزش‌ها و نگرش‌ها هم بر هویت شخصی فرد یعنی هویتی که برای تعریف خودش برمی‌گزیند مؤثر است (ترنر، ۱۹۹۹: ۱۰ و گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۰۲) و هم بر تیپ ایده‌آل او از زن یا مرد و از جمله بر ویژگی‌هایی که برای زن مسلمان تعریف می‌کند تأثیری تعیین‌کننده برجای می‌گذارد. از این گذشته یکی از منابع مهم ارزش‌ها و نگرش‌ها، باورهای دینی است.

همچنین جایگاه اجتماعی و فرهنگی در نحوهٔ شکل‌گیری خود و به تبع آن در ایجاد و تغییر هویت‌های فردی و اجتماعی مؤثر است. در دوران معاصر تحت تأثیر رسانه‌ها و آشنایی با هویت‌های دیگر و افزایش تعلقات گروهی تأمل بیشتری در هویت‌های گوناگون انسانی صورت می‌گیرد. با این حال تأثیراتی که نهادهای اجتماعی (از جمله خانواده، نهادهای تحصیلی و شغلی) و رده‌بندی‌های مستتر در آن‌ها بر نگرش، رفتار و هویت انسان‌ها دارد همچنان برجسته و قابل توجه است.

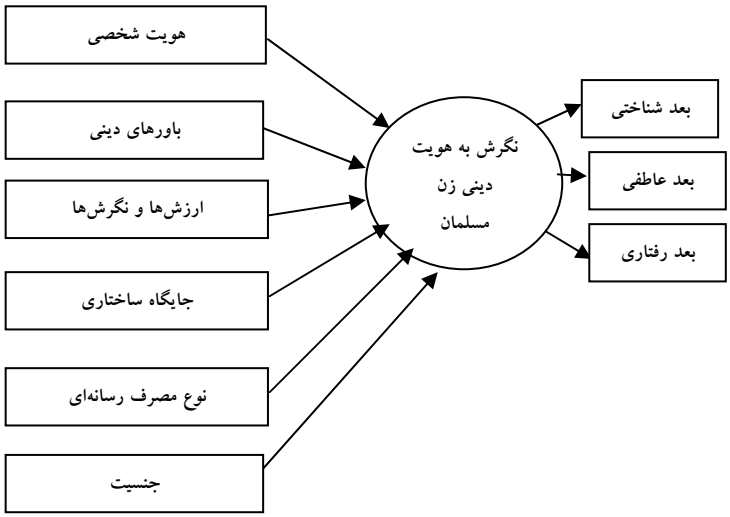
بنابراین، نگرش به هویت دینی زن مسلمان از طرفی تحت تأثیر عوامل فردی چون هویت شخصی، نوع ارزش‌ها و نگرش‌ها (سنت‌گرا یا مدرن)، باورهای دینی، جنسیت و نوع مصرف رسانه‌ای او قرار دارد و از طرف دیگر از موقعیت ساختاری و جایگاه تحصیلی، شغلی و اقتصادی او تأثیر می‌گیرد.

[1] Self identity
[2] Basic trust

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

مدل نظری پژوهش



فرضیات تحقیق

۱. خودپندارهٔ افراد بر نگرش آن‌ها به هویت دینی زن مسلمان تأثیر می‌گذارد.

۲. بین ارزش‌ها و نگرش‌ها و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه وجود دارد.

۳. بین باورهای دینی و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه وجود دارد.

٤. نوع مصرف رسانه‌ای با نگرش به هویت دینی زن مسلمان ارتباط دارد.

۵. مرد یا زن بودن بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان تأثیر می‌گذارد.

٦. جایگاه ساختاری فرد بر نگرش او به هویت دینی زن مسلمان تأثیر می‌گذارد.

٦. ۱. تحصیلات فرد با نگرش او به هویت دینی زن مسلمان ارتباط دارد.

٦. ۲. وضعیت فعالیت فرد با نگرش او به هویت دینی زن مسلمان ارتباط دارد.

روش‌شناسی

مطالعهٔ حاضر از نوع مطالعات اسنادی و پیمایشی است و جامعهٔ آماری آن شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران در گروه سنی ۲۰ تا ٤۵ سال است که جمعیت آن‌ها بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، ۲٦٦٦٤۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه که توسط فرمول کوکران محاسبه شده معادل ۳۸٤ نفر است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شرح زیر انجام شده است: ابتدا بر اساس متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهر تهران را به سه منطقهٔ شمال، مرکز و جنوب تقسیم کردیم. مناطق ۱ تا ۵ به‌عنوان مناطق شمالی (بالا)، مناطق ٦ تا ۱۲ به‌عنوان مناطق مرکزی (متوسط) و ۱۳ تا ۲۲ به‌عنوان مناطق جنوبی (پایین) در نظرگرفته شد. سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی از بین مناطق شمالی منطقهٔ ۳، از مناطق مرکزی منطقهٔ ٦ و از مناطق جنوبی منطقهٔ ۱٦ به‌عنوان مناطق نمونه انتخاب شدند. در مرحلهٔ بعد با استفاده از نقشهٔ بلوک‌های سازمان آمار به‌صورت خوشه‌ای در داخل هریک از مناطق حوزه‌هایی انتخاب شد. در هر منطقه به طور متوسط ۵ حوزه و در داخل هر حوزه ۲ بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر بلوک ابتدا با استفاده از فهرست‌برداری کل پلاک‌ها واحدهای هر بلوک مشخص شد و براساس روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک خانوارهای نمونه انتخاب شدند و در داخل هریک از منازل با افراد واجد شرایط (در صورت حضور و آمادگی) مصاحبه به عمل آمد. توزیع پرسش‌نامهٔ منازل نیز با مراجعهٔ پرسشگر به درب منازل صورت گرفت.

برای اطمینان از اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری (مشاوره و مصاحبه با استادان و صاحب‌نظران متخصص در موضوع) و جهت تعیین قابلیت اعتماد و پایایی و اطمینان از هم‌سازی درونی گویه‌ها و شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای برآمده از پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۲ و دال بر هم‌سازی درونی سؤالات پرسش‌نامه بوده است.

متغیر وابسته: نگرش به هویت دینی زن مسلمان

هویت دینی در ابعاد انسانی، خانوادگی و سیاسی ـ اجتماعی، و نگرش به هویت دینی زن مسلمان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد سنجش قرار گرفته است.

برای تدوین گویه‌ها از آیات قرآنی مرتبط با هویت زن استفاده شده است. در آیات قرآن که در بخش قبلی ذکر شد بر همانندی زن و مرد و برابری آن‌ها در خلقت تأکید شده و ملاک برتری و فضیلت نزد خداوند تقوا شمرده شده و زن مسلمان مایهٔ آرامش خانواده دانسته شده است. این آیات بر حقوق متقابل زن و مرد در خانواده، وظیفهٔ زن در حفظ حقوق و منافع

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

همسر و خانواده دلالت دارد. همچنین بر اساس این آیات زنان می‌توانند در ثمرهٔ کـار و تـلاش خود تصرف کنند و به مالکیت آن‌ها احترام گذاشته می‌شود. این آیات بر برابری زن و مرد در رعایت عفت و ضرورت رعایت پوشش اسلامی زنان هنگام حضور در اجتماع و نیز بر نقـش و رسالت زنان در نظارت بر امور اجتماع (امر به معروف و نهی از منکر) دلالت می‌کند. همچنین در قرآن از زمامداری (نقش سیاسی) زن بـه نیکـی یـاد شـده و ارزش جهـاد بـه جنـسی خـاص محدود نشده است. از این گذشته هجرت به‌عنوان حرکتی اجتماعی و سیاسـی بـرای زنـان نیـز مورد توجه قرار گرفته است.

برای سنجش بعد شناختی نگرش ۲۰ گویه، برای بعد عاطفی ۱۲ گویه و برای بعـد رفتـاری نیز ۱۰ گویه که همگی در قالب طیف لیکرت طراحی شدند و در نهایـت بـرای سـنجش متغیـر وابسته یک مقیاس ٤۲ گویه‌ای تدوین شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

از آن‌جا که توصیف نگرش به هویت دینی زن مسلمان یکی از اهداف اصلی پژوهش بود، فهم نتایج توصیفی منوط به آگاهی از ابعاد سه‌گانه و گویه‌های مربوط بدان‌هاست و در هر بعد سعی کردیم جنبه‌های انسانی، خانوادگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هویت زن مـسلمان را لحاظ کنیم. بعد شناختی با ۲۰ گویه، بعد عاطفی با ۱۲ گویه و بعد رفتاری با ۱۰ گویه و همگی در قالب طیف لیکرت طراحی شد و در نهایت متغیر وابسته با یـک مقیـاس ٤۲ گویـه‌ای مـورد مطالعه و سنجش قرار گرفت.

الف: بعد شناختی

زن و مرد از یک جنس آفریده شده‌اند.

زن هم مثل مرد برای پرستش خدا و عبادت و قرب الهی آفریده شده است.

زن می‌تواند به درجه‌ای از مقامات معنوی برسد که از طرف خدا به او وحـی شـود و بـه نبـوت برسد.

خدا "حوا" را از دندهٔ چپ آدم آفرید.

زن عنصر وسوسه و گناه است.

مهریه هدیه و پیشکشی است از طرف مرد به زن برای نشان دادن صداقت او.

زن و مرد مایهٔ آرامش و سکون یکدیگرند.

به مردان مسلمان توصیه شده با همسر خود خوش‌رفتار و باانصاف باشید حتی اگـر مـورد پـسند شما نباشد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

زن و شوهر مکمل یکدیگرند.

زن صالحه در مقابل همسر متواضع و در غیاب او حافظ اسرار و شئون شوهر و خانواده است.

به زن امر شده که زینت‌های خود را به غیرمحارم خود نشان ندهد.

امر به معروف و نهی از منکر یعنی حضور و نظارت بر جامعه بر زنان واجب نیست.

در احسان به والدین مخصوصاً به مادر تأکید فراوان شده است.

زن و مرد برابرند و تنها ملاک برتری تقوا است.

زن نمی‌تواند معامله کند و اصولاً مالک اموال و حاصل کسب‌وکار خود نیست.

هجرت حرکتی اجتماعی و سیاسی است و زن اجازهٔ هجرت در راه خدا را دارد.

قرآن از زمامداری و حکومت زن باتدبیر سخن گفته و آن را تکذیب نکرده است.

زنان می‌توانند مستقل از پدر، همسر، برادر و... بیعت کنند.

اسلام برای نشان‌دادن هویت زن به او الگو معرفی نمی‌کند.

خدا به همهٔ کسانی که با مال و جان در راه خدا جهاد می‌کنند به اجر عظیم بشارت داده است چه زن باشند چه مرد.

ب: بعد عاطفی

این بعد احساس فرد را به گویه‌های زیر مورد پرسش قرار داده است:

اینکه زن شایستگی پرستش و عبادت خدا را دارد و چه بسا زودتر از مرد به این مقام برسد.

اینکه زن از شوهرش نفقه می‌گیرد.

اینکه زن مسلمان محور خانواده و جامعه است.

اینکه زن سرشار از مهر و عاطفه است و تربیت فرزند به‌ویژه در سنین پایین به او سپرده شده است.

اینکه کار خانگی وظیفهٔ زن نیست، اما از نظر اخلاقی مدیریت و انجام امورخانه به او توصیه شده است.

اینکه زن مسلمان با رعایت حجاب می‌تواند در همهٔ صحنه‌های اجتماعی حضور یابد.

اینکه زن حق تحصیل دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

اینکه زن مسلمان می‌تواند به سطوح بالای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه ارتقا یابد.

اینکه شور و مشورت با زن مسلمان مورد تأیید قرآن است.

اینکه زن مجبور نیست در هویت سیاسی دنباله‌رو پدر، همسر و برادر خود باشد.

اینکه زن نه‌تنها می‌تواند آزادانه وارد سیاست، دولت و حکومت شود بلکه حق نظریه‌پردازی سیاسی دارد.

اینکه زن با شخصیت انسانی و شرافت روحانی آفریده شده است.

ج: بعد رفتاری

اگر لازم باشد زن مسلمانی در راه خدا هجرت کند تا آخرین حد توانم به او کمک می‌کنم.

اوقات خاصی را برای آرامش و استراحت و برنامه‌های شخصی زن در خانواده در نظر می‌گیرم.

به مهر و عاطفه و احساس زن و آرامش روانی او توجه اساسی و مهم دارم.

زنان را به حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی با حفظ عفاف و حجاب تشویق می‌کنم.

شرایطی را فراهم می‌کنم که زنان مسلمان اطرافم به تحصیلات خود ادامه دهند.

برای رشد سیاسی خود و زنان و دختران فعالیت و تلاش می‌کنم.

دغدغهٔ خدامحوری و خودباوری و توانمندی زن مسلمان را دارم.

زن مسلمان نمی‌تواند برای زندگی و رفتار در دنیای (مدرن و فرامدرن) امروز از الگوهای معرفی‌شدهٔ دیروز استفاده کند.

طوری عمل می‌کنم که زن مسلمان در صورت تمایل بتواند اعمال مذهبی خود را به موقع انجام دهد.

برخورد من با زن مسلمان انسانی است.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از:

ـ هویت شخصی (تعریف فرد از خودش)،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

ـ باورها و پایبندی دینی (که در ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی و دانشی سنجیده شده است)،

ـ نوع مصرف رسانه‌ای (رسانه‌های داخلی و خارجی)،

ـ ارزش‌ها و نگرش‌ها (سنت‌گرایانه و مدرن)،

ـ جنسیت (زن و مرد)،

ـ جایگاه ساختاری یا زمینهٔ اجتماعی‌ـ اقتصادی (تحصیلات، اشتغال یا وضعیت فعالیت).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

٥٤ درصد پاسخگویان این تحقیق زن و ۵۸ درصد آن‌ها متأهل بوده‌اند. همچنین بیشتر پاسخگویان یعنی حدود یک‌سوم آنان در گروه سنی ۳٦ تا ٤٠ سال قرار دارند. میزان تحصیلات قریب به نیمی از پاسخگویان دیپلم و فوق دیپلم و تحصیلات یک‌سوم آن‌ها لیسانس بوده است. حدود ٦٠ درصد پاسخگویان شاغل، ۱۷ درصد خانه‌دار، ۱۷ درصد دانشجو و بقیه (٦/٥ درصد) بیکار بوده‌اند.

۲. بعد شناختی نگرش به هویت دینی

بر اساس یافته‌های مربوط به بعد شناختی نگرش به هویت زن مسلمان در ارتباط با هویت انسانی زن مسلمان، ۹۳ درصد پاسخگویان با برابری زن و مرد در هدف خلقت و ٧٤/٥ درصد آنان با اینکه زن در جایگاه انسانی با مرد برابر و ملاک برتری او نیز همچون مرد تقواست موافق بوده و ٨٤ درصد آن‌ها ابراز کرده‌اند که زن مسلمان دارای الگوی عملی برای زندگی است. همچنین قریب به دوسوم افراد مورد مطالعه معتقدند که زن هم می‌تواند به درجه‌ای از مقامات معنوی برسد که از طرف خدا به او وحی شود و به نبوت برسد.

در مورد هویت خانوادگی زن مسلمان اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان زن مسلمان را مایهٔ آرامش و سکون همسر (۹۷/٥ درصد) و او را مکمل مرد (۹٥ درصد) و حافظ شئون و اسرار شوهر و خانواده (۹٥/۳ درصد) و بیش از سه‌چهارم آنان (۷۸/٦ درصد) او را دارای حق برخورداری از رفتار حسنه و منصفانه از جانب همسر دانسته‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

در خصوص هویت اجتماعی او ۸۵/۷ درصد پاسخگویان موافق بوده‌اند که زن مسلمان ملزم به رعایت حجاب اسلامی است و ٦۷ درصد حجاب را مجوزی برای فعالیت اجتماعی زن دانسته‌اند نه مانع حضور او در جامعه و نیز ۷٦ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که امر به معروف یعنی حضور و نظارت بر جامعه بر زنان هم واجب است (و زنان نیز دارای حق اعمال نظارت بر جامعه‌اند).

در مورد هویت اقتصادی زن مسلمان ۸۷ درصد پاسخگویان زن مسلمان را دارای حق فعالیت اقتصادی و حق مالکیت دانسته‌اند و ۷٤ درصد آنان پرداخت مهریه را به زن برای ابراز محبت و صداقت او می‌دانند نه تأمین اقتصادی او.

درباب هویت سیاسی زن مسلمان ۹۳/۵ درصد پاسخگویان موافق‌اند که زن مسلمان دارای تکلیف انسانی جهاد است و دوسوم (یعنی قریب به ٦٤ درصد) موافق‌اند که هجرت حرکتی اجتماعی و سیاسی است و زن مسلمان اجازهٔ هجرت در راه خدا را دارد. اما مخالفت ۵۷ درصدی پاسخگویان با استقلال زنان در بیعت (و رأی سیاسی) و عدم موافقت ٤۸ درصدی با قابلیت زمامداری و حکومت زنان قابل تأمل است و احتمال دارد ناشی از تبلیغات رسانه‌ای و ناآشنایی و فقدان تجربهٔ ایفای نقش‌های مهم سیاسی توسط زنان مسلمان در کشور ما باشد.

۳. بعد عاطفی نگرش به هویت دینی

نتایج مربوط به بعد عاطفی نگرش به هویت دینی زن مسلمان نشان می‌دهد که به‌لحاظ هویت انسانی ۸۵/٦ درصد پاسخگویان از اینکه زن مسلمان با شخصیت انسانی و شرافت روحانی آفریده شده، ۷۹/۵ درصد آنان از شایستگی و برابری او در کسب مقامات معنوی، همچنین ۹۲ درصد این افراد از اینکه زن مسلمان دارای حق تحصیل است و ۷۰ درصد آنان از اینکه او برخوردار از استقلال هویتی و شخصیتی است و ۸٤ درصد آنان از اینکه شور و مشورت با او مورد تأیید قرآن است ابراز خشنودی کرده‌اند.

درباب جنبهٔ خانوادگی هویت زن ۹۲ درصد پاسخگویان از اینکه زن مسلمان سرشار از مهر و عاطفه است و تربیت فرزند به او سپرده شده و ۸۷ درصد آنان از اینکه او محور خانواده و جامعه است و ۷۵ درصد نیز از اینکه حق مدیریت خانه به او واگذار شده ابراز خشنودی کرده‌اند.

در مورد جنبهٔ اجتماعی و سیاسی هویت زن دوسوم پاسخگویان از اینکه زن مسلمان می‌تواند با حفظ حجاب خود در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آزادانه حضور یابد، ۷۱

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

درصد آن‌ها از اینکه او می‌تواند به سطوح بالای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه ارتقا یابد و ٦٠ درصد پاسخگویان نیز از اینکه زن مسلمان دارای توان مدیریت اجرایی و حق فعالیت سیاسی است ابراز خشنودی کرده‌اند.

٤. بعد رفتاری نگرش به هویت دینی

نتایج مربوط به بعد رفتاری نگرش به هویت دینی زن مسلمان حاکی از آن است که به‌لحاظ هویت انسانی ٩٤ درصد افراد مورد مطالعه برای زن مسلمان هویت انسانی قائل‌اند و با او برخورد انسانی دارند.

به‌لحاظ خانوادگی ٩٣ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که به عواطف و آرامش روانی و نیازها و برنامه‌های شخصی او در خانواده توجه دارند و٨٥/٢ درصد آنان نیز با اینکه اوقات خاصی را برای آرامش و استراحت و برنامه‌های شخصی زن در خانواده در نظر بگیرند ابراز موافقت کرده‌اند.

درباب جنبهٔ اجتماعی هویت زن ٨٣ درصد پاسخگویان به فراهم‌کردن شرایط برای ادامهٔ تحصیل زنان مسلمان رویکرد مثبت داشته‌اند و ٧٧ درصد آنان مشوق آن‌ها برای حضور توأم با عفاف و حجاب در صحنه‌های مختلف اجتماعی هستند. به‌علاوه، ٦٣ درصد آمادگی دارند که در جهت افزایش آگاهی، خودباوری و توانمندی بیشتر آن‌ها عمل کنند.

دربارهٔ جنبهٔ سیاسی هویت دوسوم (٦٧ درصد) پاسخگویان این آمادگی را دارند که در صورت لزوم تا آخرین حد توان خود به هجرت زن مسلمان کمک و از این طریق زمینه را برای تداوم رشد اجتماعی و سیاسی او هموار کنند. در بعد رفتاری نگرش نیز همچون بعد شناختی، مخالفت ٣٣ درصدی با فعالیت سیاسی زن مسلمان جای تأمل دارد.

یافته‌های اجمالی نگرش به هویت دینی زن مسلمان

جدول ١. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نگرش شناختی به هویت دینی زن مسلمان

ابعاد گوناگون نگرش	منفی		بینابین		مثبت		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بعد شناختی	٤٢	١٠/٩	١٣٨	٣٥/٩	٢٠٤	٥٣/١	٣٨٤	١٠٠
بعد عاطفی	٤٨	١٢/٥	١٣٤	٣٤/٩	٢٠٢	٥٢/٦	٣٨٤	١٠٠

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

بعد رفتاری	۱٤	۳/٦	۱٥۳	۳۹/٦	۲۱۷	٥٦/٥	۳۸٤	۱۰۰
نگرش کلی	٤۰	۱۰/٤	۱٤۹	۳۸/۸	۱۹٥	٥۰/۸	۳۸٤	۱۰۰

بر اساس جدول ۱ نگرش بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۰/۸ درصد) به تصویری که از هویت دینی زن مسلمان در این تحقیق ترسیم شده موافق، ۳۸ درصد آن‌ها بینابین (نه موافق و نه مخالف) و ۱۰ درصد پاسخگویان نیز نگرشی منفی به این تصویر ابراز کرده‌اند. نتایج اجمالی مربوط به ابعاد سه‌گانهٔ نگرش نشان می‌دهد که نگرش به هویت ترسیم‌شده برای زن مسلمان در بعد رفتاری نسبت به سایر ابعاد قدری مثبت‌تر بوده و در دو بعد شناختی و عاطفی تفاوت چندانی وجود ندارد.

یافته‌های تبیینی

جدول ۲. رابطهٔ مجموع متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (نگرش به هویت دینی زن مسلمان)

همبستگی/ معناداری رابطه	متغیر وابسته (نگرش به هویت دینی زن مسلمان)				متغیرهای مستقل	
	تعداد کل	مثبت	بینابین	منفی		
همبستگی=۰/۳۲	٤۸	٪٤/۲	٪٥۲/۱	٪٤۳/۸	منفی	هویت شخصی
سطح معناداری=۰/۰۱	۱۳۷	٥۱/۱	٤۱/٦	۷/۳	بینابین	
	۱۹۹	٦۱/۸	۳۳/۷	٤/٥	مثبت	
همبستگی=۰/۳۳	٤۳	۲۷/۲	۳٤/۹	۳۷/۲	ضعیف	پایبندی دینی
سطح معناداری=۰/۰۱	۱٤۰	۳٥	٥٥/۷	۹/۳	متوسط	
	۲۰۱	٦٦/۷	۲۷/۹	٥/٥	قوی	
همبستگی=۰/۱٥	۹٤	٤۲/٦	۳۸/۳	۱۹/۱	کم	استفاده از رسانه‌های داخلی
سطح معناداری=۰/۰۱	۱۰٤	٤۸/۱	۳٦/٥	۱٥/٤	متوسط	
	۱۸٦	٥٦/٥	٤۰/۳	۳/۲	زیاد	
همبستگی=۰/۱۰	۱۰۸	٦۰/۲	۳۲/٤	۷/٤	کم	استفاده از رسانه‌های خارجی
سطح معناداری=۰/۲۱	۱٥۳	٤۸/٤	٤۰/٥	۱۱/۱	متوسط	
	۱۲۳	٤٥/٥	٤۲/۳	۱۲/۲	زیاد	
	۲۹	۹۳/۱	۳/٤	۳/٤	سنتی	ارزش‌ها و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

همبستگی=۰/۱۳	۹۳	٤٦/۲	۵۲/۷	۱/۱	نسبتاً سنتی	نگرش‌ها
	۱۵۵	٤۳/۹	٤۹/۷	٦/۵	نسبتاً مدرن	
سطح معناداری=۰/۰۱	۱۰۷	۵۳/۳	۲۰/٦	۲٦/۲	مدرن	
همبستگی=۰/۳۲	۲۲۲	٦٤/٤	۳۰/٦	۵	زن	جنسیت
	۱٦۲	۳۲/۱	۵۰	۱۷/۹	مرد	
سطح معناداری=۰/۰۱						
همبستگی=۰/۳٤	۱٦۱	۳۹/۱	۳۸/۵	۲۲/٤	مجرد	وضعیت تأهل
	۲۲۳	۵۹/۲	۳۹	۱/۸	متأهل	
سطح معناداری=۰/۰۱						
همبستگی=۰/۱٤	۱٤۵	۳۵/۹	۵۵/۸	۸/۳	دیپلم	میزان تحصیلات
	۳۹	۳۳/۳	٤۸/۸	۱۷/۹	فوق‌دیپلم	
	۱۲۹	٦٤/۳	۱۹/٤	۱٦/۳	لیسانس	
سطح معناداری=۰/۰۱	٤۳	۷٤/٤	۲۵/٦	۰	فوق‌لیسانس	
	۲۲	٤۰،۹	۵۹،۱	۰	دکتری	
همبستگی=۰/۲۵	۲۲۵	٤٦،۷	٤۵،۳	۸	شاغل	وضعیت فعالیت
	٦٤	۵۳،۱	۲٦،٦	۲۰،۳	دانشجو	
	۵	۷۲،۳	۲٤،٦	۳،۱	بازنشسته	
سطح معناداری=۰/۰۱	۲۰	۵	٦۵	۳۰	بیکار	
	٦۵	۸۰	۰	۲۰	خانه‌دار	

با استناد به نتایج جدول فوق بین هویت شخصی و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه‌ای معنادار و با شدت متوسط (۰/۳۲) وجود دارد. بدین معنی که هرچه تعریف شخص از خودش مثبت‌تر و از اعتماد بنیادی بیشتری برخوردار باشد، نگرش وی به هویت دینی زن مسلمان نیز موافق‌تر و مثبت‌تر خواهد بود.

همچنین بین دو متغیر میزان پایبندی دینی و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه‌ای مستقیم، معنادار و با شدت متوسط وجود دارد. بدین معنی که هرچه شخص از پایبندی دینی بالاتری برخوردار باشد، نگرش وی به هویت دینی زن مسلمان نیز مثبت‌تر خواهد بود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

نتایج مربوط به هریک از ابعاد سه‌گانهٔ نگرش (شناختی، عاطفی و رفتاری) به هویت دینی زن مسلمان نشان می‌دهد، در حالی همبستگی بعد شناختی نگرش با میزان پایبندی دینی متوسط (۰/۳۱) است، بین بعد عاطفی نگرش و میزان پایبندی دینی رابطهٔ ضعیف‌تری (با همبستگی ۰/۲٤) وجود دارد. از میان ابعاد سه‌گانهٔ نگرش، بعد رفتاری بیشترین همبستگی (۰/۳٤) را با پایبندی دینی نشان داده است. شایان ذکر است این همبستگی‌ها همگی معنادار بوده‌اند.

بین میزان مصرف رسانه‌ای داخلی و نگرش به هویت دینی زن مسلمان همبستگی ضعیفی (۰/۱۵) وجود دارد که مبین وجود رابطهٔ ضعیف بین دو متغیر یادشده است و نشان می‌دهد استفاده از رسانه‌های داخلی تأثیر قابل اعتنایی بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان برجا نمی‌گذارد.

با استناد به نتایج جدول فوق بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطهٔ معنادار و قابل اعتنایی وجود ندارد. بنابراین استفاده از رسانه‌های خارجی بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان تأثیری ندارد.

در مورد ارزش‌ها و نگرش‌ها، مقدار ضریب همبستگی (۰/۱۳) مؤید همبستگی ضعیف دو متغیر نوع ارزش‌ها و نگرش‌ها و نگرش به هویت دینی زن مسلمان است. نتایج جدول نشان می‌دهد افراد سنت‌گرا از نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان برخوردارند.

با استناد به نتایج جدول فوق، رابطهٔ بین وضعیت تأهل و نگرش به هویت دینی زن مسلمان تأیید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی کرامرز وی (۰/۳٤) مؤید همبستگی متوسط متغیر وضعیت تأهل و نگرش به هویت دینی زن مسلمان است. بدین معنا که متأهلان نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان دارند.

همچنین بین میزان تحصیلات و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه‌ای معنادار و با همبستگی قابل توجه (۰/٤۱) مشاهده شد. بدین معنا که با افزایش تحصیلات نگرش افراد به هویت دینی زن مسلمان مثبت‌تر می‌شود.

با استناد به یافته‌های پژوهش، مقدار ضریب همبستگی کرامرز وی (۰/۲۵) مؤید همبستگی متوسط و معنادار متغیر وضعیت فعالیت و نگرش به هویت دینی زن مسلمان است و شاغلان نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان ابراز کرده‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

تحلیل رگرسیونی نگرش به هویت دینی زن مسلمان

در تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان، تمامی متغیرهای مستقل را وارد رگرسیون کردیم. از مجموع ۱۱ متغیر معرفی‌شده (شامل هویت شخصی، میزان پایبندی دینی، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت، میزان تحصیلات و ارزش‌ها و نگرش‌ها) ٦ متغیر به سبب ضریب رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۵٪ در معادلهٔ رگرسیونی وارد شدند که نشان‌دهندهٔ تأثیر مستقیم آن‌ها بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده متغیر "پایبندی دینی" (با ضریب بتای ۰/۳۷) بالاترین تأثیر را بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان دارد. بنابراین نگرش به هویت دینی زن مسلمان در مرحلهٔ اول متأثر از میزان دین‌داری افراد بوده و با توجه به نتایج متغیر "جنس" (با ضریب بتای ۰/۲٦-) دومین متغیر تأثیرگذار بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان است. بنابراین نگرش به هویت دینی زن مسلمان در مرحلهٔ دوم وابسته به جنس افراد است، یعنی زنان نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان دارند.

سومین متغیری که به‌لحاظ وزن بتا وارد معادله شده "وضعیت تأهل" است. ضریب تأثیر رگرسیونی این متغیر برابر با ۰/۲۳ است، یعنی متأهلان از نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان برخوردارند.

چهارمین متغیر واردشده در معادله متغیر "میزان تحصیلات" است. ضریب تأثیر رگرسیونی این متغیر برابر با ۰/۲۰ بوده، یعنی افرادی که میزان تحصیلات در بین آن‌ها بالا بوده، نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان ابراز کرده‌اند.

متغیر پنجمی که به‌لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است "هویت شخصی" با ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با ۰/۱٦ است. بنابراین نگرش به هویت دینی زن مسلمان در مرحلهٔ پنجم وابسته به هویت شخصی افراد است، یعنی افرادی که تعریف آن‌ها از خودشان مثبت‌تر بوده، نگرش موافق‌تری به هویت دینی زن مسلمان ابراز کرده‌اند.

آخرین متغیری که به‌لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است "سن" با ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با ۰/۰۸ بوده است. یعنی با افزایش سن نگرش به هویت دینی زن مسلمان مثبت‌تر می‌شود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چندمتغیره (۰/٦٦٨ = آر) نمایانگر همبستگی قوی مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر نگرش به هویت دینی زن مسلمان است. مقدار ضریب تعیین (۰/٤٧=مجذورآر) بیان‌کنندهٔ آن است که ٤٧ درصد تغییرات نگرش به هویت دینی زن مسلمان را می‌توان توسط شش متغیر مستقل ذکرشده در بالا تبیین کرد.

جدول۲. ضرایب رگرسیونی تأثیر هریک از متغیرهای تحقیق بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان

عنوان متغیر	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد	ضریب خطا	بتا ضریب رگرسیونی استاندارد شده	تی	سطح معناداری
میزان دین‌داری	۱/۲۰	۰/۱۸	۰/۳۷	٦/۳۸	۰/۰۱
جنسیت	-۱۰/۸۸	۱/٦۹	-۰/۲٦	-٦/٤۳	۰/۰۲
وضعیت تأهل	۹/۵۲	۱/۷۰	۰/۲۳	۵/۵۹	۰/۰۱
میزان تحصیلات	۳/۳۱	۰/٦۳	۰/۲۰	۵/۱۹	۰/۰۱
هویت شخصی	۰/٦۰	۰/۱٦	۰/۱٦	۳/٦٦	۰/۰۱
سن	۰/۲٤	۰/۱۱	۰/۰۸	۲/۰۸	۰/۰۱
عدد ثابت (Constant)	۱۰۰/۲۵۷	۸/٦۷۳	---	۱۱/۵٦	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر در وهلهٔ نخست به شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زن مسلمان از خلال متون دینی و صاحب‌نظران این عرصه پرداختیم. آن‌گاه به شناخت نگرش مردان و زنان به هویت زن مسلمان مبادرت و در نهایت عوامل اجتماعی مرتبط با این نگرش را تبیین و تحلیل کردیم.

در مطالعهٔ هویت دینی زن مسلمان جنبه‌های انسانی، خانوادگی و سیاسی-اجتماعی لحاظ شده و متغیر وابستهٔ نگرش در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری آن مورد سنجش قرار گرفته و در تدوین گویه‌های نگرش از آیات قرآنی مربوط به هویت زن مسلمان استفاده شده است.

بر اساس نتایج توصیفی بیشترین نگرش مثبت در وهلهٔ نخست به بعد انسانی هویت زن و سپس به بعد خانوادگی و بعد اجتماعی-اقتصادی مربوط بوده و کمترین اجماع و توافق دربارهٔ بعد سیاسی هویت زن ابراز شده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

نتایج توصیفی نگرش در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد پاسخگویان به هویت انسانی هم‌سان زن و مرد و به جواز بلکه رجحان مشارکت اجتماعی زنان مسلمان باور دارند، اما در عین حال، برخی تفاوت‌های جسمانی ـ روان‌شناختی دو جنس را می‌پذیرند. همچنین حدود سی‌درصد افراد در خصوص برابری نقش و جایگاه سیاسی زنان و مردان و مجازبودن زنان به تصدی مقامات اجتماعی ـ سیاسی از جمله مرجعیت تقلید، قضاوت و ریاست جمهوری برای زنان تردید دارند.

در تحلیل‌های تبیینی بر اساس تحلیل‌های دوبعدی، بین هویت شخصی و نگرش به هویت دینی زن رابطهٔ معنادار وجود دارد. بدین معنی که هرچه تعریف شخص از خودش مثبت‌تر باشد، نگرش وی به هویت دینی زن مسلمان مثبت‌تر است. همچنین وجود رابطه بین دو متغیر میزان دین‌داری و نگرش به هویت دینی زن مسلمان تأیید شد. بدین معنی که هرچه شخص از پایبندی دینی بالاتری برخوردار باشد نگرش وی به هویت دینی زن مسلمان نیز مثبت‌تر است.

بین دو متغیر نوع و میزان استفاده از رسانه‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌ها با نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطهٔ ضعیف و غیرقابل اعتنایی مشاهده شد. اما بین جنس و نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطهٔ قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. بدین معنا که زنان نسبت به مردان نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان دارند.

به‌علاوه، با افزایش سن و در نتیجه افزایش اطلاعات و تجربیات زندگی، نگرش فرد به هویت دینی زن مسلمان مثبت‌تر می‌شود. همچنین وضعیت تأهل با نگرش به هویت دینی زن مسلمان ارتباط دارد، به طوری که متأهلان نگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان ابراز کرده‌اند. از طرف دیگر، با افزایش تحصیلات افراد نگرش آن‌ها به هویت دینی زن مثبت‌تر می‌شود. در نهایت، وضعیت فعالیت با نگرش به هویت دینی زن مسلمان رابطه دارد. بدین معنی که شاغلان ازنگرش مثبت‌تری به هویت دینی زن مسلمان برخوردار بوده‌اند.

نتایج رگرسیونی چندمتغیری نشان داد که متغیر "میزان پایبندی دینی" بالاترین تأثیر را بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان داشته و سپس متغیرهای "جنسیت"، "وضعیت تأهل"، "میزان تحصیلات"، "هویت شخصی" و "سن" به ترتیب بر نگرش به هویت دینی زن تأثیرگذار بوده‌اند.

نتایج مذکور مؤید آن است که تفکیک اجتماعی میان زن و مرد در جامعهٔ ایران از عمیق‌ترین لایه‌های ذهنی کنشگران اجتماعی آغاز می‌شود و دامنهٔ خود را تا نهادهای خانواده،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

آموزش، اقتصاد و سیاست می‌گستراند. این تفکیک‌ها که گاه به آموزه‌های دینی نسبت داده می‌شود غالباً سوگیرانه و متضمن موقعیت‌های برتر و امتیازهای بیشتر برای مردان بوده است. در فرهنگ سنتی ما، زندگی اجتماعی به دو عرصهٔ عمومی و خانگی تقسیم می‌شود. عرصهٔ عمومی به مردان و عرصهٔ خانگی به زنان اختصاص می‌یابد. عرصه‌ای که گرچه بیشتر مسئولیت‌های آن برعهدهٔ زن است، حق تصمیم‌گیری و ریاست از آن مرد است. با محدودشدن زن به عرصهٔ خانگی و دورماندن او از عرصهٔ اجتماع، که خود بر باور به نابرابری هویت و حقوق زن و مرد مبتنی است، بخش عظیمی از فرصت‌های پیشرفت از دسترس زنان دور می‌ماند. این محدودیت زنان و جامعه را از امکان بهره‌مندی از همهٔ توانایی‌ها و منابع انسانی خود محروم می‌سازد و برای زن مسلمان جایگاه و هویتی نازل‌تر از مردان ترسیم می‌کند. با این حال، پژوهش‌های اخیر (رفعت‌جاه، ۱۳۸٦؛ روح‌افزا، ۱۳۸۷؛ سیارپور، ۱۳۸۹) نشان می‌دهد این نابرابری‌ها هم در ذهنیت افراد و هم در نهادهای اجتماعی ما رو به کاهش دارد. امروزه بسیاری از زنان مسلمان ایرانی به عرصهٔ آموزش‌های عالی و بازار کار راه یافته‌اند. با این همه هنوز در فرهنگ ایرانی به‌ویژه در عرصه‌های مشاغل مدیریتی و مناصب سیاسی نابرابری‌هایی وجود دارد که صرفاً مبنای جنسیتی دارند و نشان‌دهندهٔ مقاومت و تردید در شایستگی‌های مدنی و سیاسی زن مسلمان ایرانی است.

در همین باره و با توجه به مخالفت سی‌درصدی پاسخگویان با برابری نقش و جایگاه سیاسی زنان و مردان مسلمان و توانایی زنان در تصدی موقعیت‌های بالای اجتماعی ـ سیاسی، باید یادآور شد از آن‌جا که ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای فرد عمدتاً بر اساس تجربیات زندگی او شکل می‌گیرد و در جامعهٔ ایران هنوز امکان و فرصت تصدی این موقعیت‌ها برای زنان فراهم نشده تا آنان بتوانند توانایی‌ها و شایستگی‌های خود را نشان دهند، افراد مورد مطالعه در این زمینه تجربیات موفقی را درک نکرده‌اند، لذا طبیعی است که در این زمینه تردید وجود داشته باشد.

مطابق پیش‌بینی چارچوب نظری تعامل‌گرای ما، تأثیر عوامل فردی (پایبندی دینی، جنسیت، تأهل و هویت شخصی) بر نگرش به هویت زن مسلمان بیشتر از جایگاه ساختاری (تحصیلات و اشتغال) بوده، زیرا جنسیت در نحوهٔ اجتماعی‌شدن و تجربیات زندگی تأثیر مهمی دارد، تأهل سبب گسترش دامنهٔ تعاملات اجتماعی و آگاهی‌های فرد می‌شود و هویت

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

شخصی نیز الگویی برای فهم همهٔ ارزش‌ها و نگرش‌های فرد است و نتایج پژوهش به‌ویژه نتایج دقیق‌تر رگرسیونی این رویکرد را تأیید کرده است.

با این حال، همان‌طور که نتایج پژوهش نیز نشان می‌دهد، عوامل ساختاری و تعدد نقش‌های اجتماعی در کمرنگ‌شدن نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی به هویت زن مسلمان تأثیرگذار بوده است. به‌ویژه در مورد زنان شهری که در اثر تحولات فرهنگی و اجتماعی اخیر سطح تحصیلات و میزان اشتغال در میان آن‌ها افزایش یافته و سبب ورود آن‌ها از چارچوب خانه به عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شده و زمینهٔ حاصل‌خیزی برای بازنگری در شخصیت و هویت برای آن‌ها فراهم شده است. این وضعیت و تجربیات جدید زنان و مردان را از آگاهی‌های بیشتری برخوردار کرده و سبب شده نگرش‌های سنتی به زن و الگوی سنتی خانواده در معرض دگرگونی قرار گیرد و ارزش‌ها و آرمان‌های جدید (کسب استقلال و هویت‌های اجتماعی) در زنان پدید آید. خلاصه آنکه با تنوع نقش‌های زنان و گسترش تجربه‌های اجتماعی، زمینهٔ مناسبی برای تأمل در مورد نقش‌ها و هویت‌های زنانهٔ موجود اعم از سنتی، مذهبی و مدرن پدید آمده است.

در جریان این بازاندیشی‌ها و تأملات هویتی هم هویت‌های دینی و هم سایر هویت‌های انسانی مورد تأمل، بازنگری و بازتعریف قرار می‌گیرد. در این میان هرچه سطح آگاهی، شناخت و شبکهٔ تعاملات افراد بیشتر باشد نقادی و تأمل آن‌ها در مورد سنت‌ها و نگرش‌های موجود بیشتر خواهد بود. هم از این رو است که با اشتغال و افزایش تحصیلات و سن و با تأمل در نفس (تعریف آگاهانه و تأمل‌گرایانه از خود)، امکان بازنگری و بازتعریف الگوهای زندگی، اعم از اینکه از سنت برآمده باشد یا از دین یا از مدرنیتهٔ غربی، افزایش می‌یابد.

منابع

الیاده، میرچا (۱۳۷۵) *دین‌پژوهی*، ترجمهٔ بهاءالدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باتامور، تی. بی (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ سیدحسن منصور و سیدحسن کلجاهی، تهران: جیبی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

برگر، پیتر و توماس لاکمان (۱۳۷۵) *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمهٔ فریبرز مجیدی، تهران: علمی فرهنگی.

بیرو، آلن (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمهٔ باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: کیهان.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹) *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) *هویت اجتماعی*، ترجمهٔ تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳٦۹) *زن در آیینهٔ جلال و جمال الهی*، تهران: رجاء.

ـــــــ (۱۳۷۲) *شریعت در آیینهٔ معرفت*، قم: رجاء.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.

حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۰) *فراسوی پست‌مدرنیته، اندیشهٔ شبکه‌ای، فلسفهٔ سنتی و هویت ایرانی*، تهران: شفیعی.

خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۰) «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان»، *خلاصهٔ مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش*، به اهتمام خسرو قبادی، تهران: محراب قلم: ۱۲۳-۱۲٤.

دوران، بهزاد (۱۳۸۲) تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، پایان‌نامهٔ دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸٦) «بازاندیشی در تقابل‌های جنسیتی و هویت‌های زنانه»، *فصلنامهٔ پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شمارهٔ ۸: ۲۱۳ ـ ۲۳٦.

ـــــــ (۱۳۸۷) *تأملی در هویت زن ایرانی*، تهران: دانشگاه تهران.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) *جامعهٔ روستایی و نیازهای آن*: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیدهٔ استان یزد، تهران: شرکت سهامی انتشار.

روح‌افزا، فائزه (۱۳۸۷) بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مطالعات زنان، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

روشه، گی (۱۳۷٦) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تبیان.

ریتزر، جورج (۱۳۸۷) *نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: علمی.

سبحانی، جعفر (۱۳۷٤) «دفاع عقلانی از دین»، *فصلنامهٔ نقد و نظر*، شمارهٔ ٤-۳: ۷- ۱۰.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

سیارپور، فاطمه (۱۳۸۹) مطالعهٔ انسان‌شناختی بدن به‌مثابهٔ یک نظام دلالتگر، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد انسان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

شریعتی، علی (۱۳٦۹) *زن: مجموعه آثار*. تهران: چاپخش.

شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) *ناسیونالیسم و تکوین هویت ایرانی*، تهران: باز.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳٦۲) *خلاصهٔ تعالیم اسلام*، تهران: کعبه.

ـــــــ (۱۳۹٤ ق) *المیزان فی تفسیرالقرآن*، جلد ۱۵، قم: مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳) «دوجهانی‌شدن‌ها و آیندهٔ هویت‌های هم‌زمان»، *خردنامهٔ همشهری*، شمارهٔ ۲٦: ۱۰- ۱۱.

عبداللهی، محمد (۱۳۷۵) «جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران»، *نامهٔ پژوهش*، سال اول، شمارهٔ ۲ و ۳: ۱۲۱-۱۵٤.

علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۸) *الگوی مشارکت شهروندان در ادارهٔ امور شهرها*، تهران: سازمان شهرداری کشور.

غفوری، معصومه (۱۳۸٤) بررسی هویت دینی و ملی نوجوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیرخانواده بر آن، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا، دانشکدهٔ علوم اجتماعی و اقتصادی.

کرچ، دیوید و همکاران (۱۳٤۷) *فرد در اجتماع*، ترجمهٔ محمود صناعی، تهران: زوار.

کریمی، یوسف (۱۳۷٦) *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: بعثت.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نی.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰) «عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه»، *مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال شانزدهم، شمارهٔ ۲ (پیاپی۳۲): ۹۹-۱۳۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.

ـــــــ (۱۳٦۸) *مسئلهٔ حجاب*، تهران: صدرا.

ـــــــ (۱۳٦۰) *یادنامه*، زیرنظر عبدالکریم سروش، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ویلم، ژان پل (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]

هیلگارد، ارنست و ریتا ال اتکینسون (۱۳۷۷) *زمینهٔ روان‌شناسی*، ترجمهٔ فرزین رضاعی، تهران: ارجمند.

Abercrombie, N., S. Hill & Brayan S. Turner (1994) *The Dictionary of Sociology*, 3rd. edition, London: Penguin.

Gale, Richard M. (1999) *The Divided Self of William James*, Cambridge: Cambridge University Press.

Hayes L. J., S. Quine & J. Bush (1994) "Attitude Change amongst Nursing Students towards Australian Aborigines", *International Journal of Nursing Studies*, 32 (1): 67-76.

Hewston, Alan W. et al.(1996) *Attitude Control Subsystem for the Advanced Communications Technology*, Washington, D.C. : National Aeronautics and Space Administration.

Layder, Derek (2004) *Social and Personal Identity: Understandibg Yourself* , London, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Myers, D. G. (1993) "An Attitude of Gratitude", *The Banner (magazine)*, November, 22 : 14-15.

Parfitt, Tudor (2006) *Genetics, Mass Media, and Identity*, London and New York: Routledge.

Robertson, R. (1972) *The Sociological Interpretation of Religion*, Oxford: Blackwell.

Turner, John C. (1999) "Some Current Issues in Research on Social Identity and Self-Categorization", *Social Identity: Context, Commitment, Content,* in Noam Ellmeres, Russell Spears and Bertjan Doosje (eds.), London: Blackwell: 6-34.

Visser, P. S., & J. A. Krosnick (1998) "The Development of Attitude Strength over the Life Cycle: Surge and Decline", *Journal of Personality and Social Psychology*, 75: 1389-1410.

Weedon, Chris (2004) *Identity and Culture*, Maidenhead: Open University Press.

Woodward Kath (2000) *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London: Routledge in association with the Open University.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8]